

کتاب

«جشن نامه»، «یادنامه»، «یادگارنامه» بر مجموعه‌ای حاوی نوشته‌هایی به قلم نویسندگان و مترجمان متعدد اطلاق می‌شود که به دعوتی از جانب یک یا چند تن و یا مرکز و سازمانی برای بزرگداشت شخصیتی علمی یا فرهنگی گردآوری شده است. یادنامه معمولاً شرح حال و آثار و افکار و آراء آن شخصیت و جایگاه او را در جهان دانش و فرهنگ دربر دارد. نوشته‌ها نیز عموماً مقاله یا آثار مکتوب دیگر از جمله خاطرات نویسنده و قدردانی او از خدمات نکوداشته است. تنوع صوری و موضوعی نوشته‌ها با عنوان «رنگارنگ» (Mélange)، نامی که در غرب بر این گونه آثار نهاده‌اند، مطابقت دارد.

نشر یادنامه در جامعه فرهنگی ما مسبوق به سابقه‌ای چندان طولانی نیست؛ اما تعدد و تنوع آن در همین دهه‌های اخیر نشان می‌دهد که ضرورت آن به لحاظ اخلاقی و برای قدرشناسی از خدمات معنوی بزرگان احساس شده است. یادنامه سابقاً پس از درگذشت شخصیت تهیه و منتشر می‌شده؛ اما چندی است که نشر آن در حال حیات او رواج یافته است. نمونه‌هایی از نوع اول است

یادنامه پورداوود (۱۳۲۵)، به کوشش محمد معین؛ جشن نامه محمد پروین گنابادی (۱۳۵۴)، به کوشش محسن ابوالقاسمی و محمد روشن؛ یادگارنامه حبیب یغمائی (۱۳۵۶)، زیر نظر غلامحسین یوسفی، محمدابراهیم باستانی پاریزی، و ایرج افشار؛ همائی‌نامه (۱۳۵۵)، زیر نظر مهدی محقق؛ جشن نامه استاد مدرس رضوی (۱۳۵۶)، زیر نظر ضیاءالدین سجادی. از نمونه‌های متأخر است: مهدوی‌نامه (جشن نامه یحیی مهدوی، ۱۳۷۸)، به کوشش حسن سیدعرب و علی اصغر محمدخانی؛ جشن نامه یدالله ثمره (۱۳۸۳)، به کوشش امید طبیب‌زاده و محمد راسخ مهند؛ یشت فرزاندگی (جشن نامه محسن ابوالقاسمی، ۱۳۸۴)، به کوشش سیروس نصرالله‌زاده و عسکر بهرامی. بدین ترتیب، جشن نامه هم وسیله تجلیل است و هم گنجینه‌ای از مقالات. فرهنگستان زبان و ادب فارسی، خود، تاکنون سه عنوان از این نوع مجموعه را به نام محمد خوانساری، محمدعلی موحد، و اسماعیل سعادت منتشر کرده است. «تازه‌های نشر» این شماره نامه فرهنگستان

به معرفی و بررسی نمونه‌هایی از این جشن‌نامه‌ها، که در سال‌های اخیر منتشر شده‌اند، اختصاص دارد.

سایقتصادی‌نیا

جشن‌نامه استاد دکتر محمد خوانساری، زیر نظر حسن حبیبی، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران ۱۳۸۴، ۶۰۶ صفحه، مصوّر.

استاد محمد خوانساری در ۱۳۰۰ شمسی در اصفهان زاده شد. در سال ۱۳۱۹، پس از دریافت دیپلم از دانشسرای مقدماتی، برای ادامه تحصیل به تهران آمد. در سال ۱۳۲۳، در رشته فلسفه و علوم تربیتی با احراز رتبه اول به اخذ لیسانس نایل گردید. سپس، هم‌زمان با تدریس، در دانشگاه تهران به تحصیل در رشته ادبیات فارسی پرداخت و تامقطع دکتری این رشته را پی گرفت و، علاوه بر آن، به اخذ درجه دکتری در منطق و فلسفه از دانشگاه پاریس توفیق یافت. وی محضر استادانی چون ملک الشعراء بهار، احمد بهمنیار، عباس اقبال، بدیع الزمان فروزانفر، ابراهیم پورداود، میرزا عبدالعظیم خان قریب، علی اکبر سیاسی، محمدباقر هوشیار، غلامحسین صدیقی، یحیی مهدوی، مدرّس رضوی، جلال همائی، فاضل تونی، و عیسی صدیق اعلم را درک کرده است. خوانساری بر زبان‌های فرانسه و عربی تسلط و با علوم دینی آشنایی داشت. جشن‌نامه با فهرست آثار استاد آغاز می‌شود.

در مقدمه به قلم حسن حبیبی، متانت و وقار، نکته‌بینی، دقت و روشنی و پرمایگی بیان،

کم‌گویی و گزیده‌گویی استاد خوانساری توصیف و ستایش شده است. به دنبال این مقدمه، «شرح احوال» استاد به قلم خود ایشان؛ سپس ۲۵ مقاله به قلم عده‌ای از اعضای پیوسته فرهنگستان و ارادتمندان استاد آمده است که از جمله آنهاست: «رسالة الطیر» (عبدالمحمد آیتی)؛ «جسته‌ای - او - قدسیان» (حسن انوری)؛ «تشریح الوجود، از نویسنده‌ای ناشناخته» (نصرالله پورجوادی)؛ «تحلیلی بر سبک‌شناسی زبان» (یدالله ثمره)؛ «مفهوم انسان کامل و مصادیق آن در عرفان نظری محیی‌الدین ابن عربی مرسیانی و حکمت متعالیه صدرای شیرازی» (محسن جهانگیری)؛ «چند نکته درباره اصطلاحات حقوقی بنیادی و چگونگی تعریف برخی از آنها» (حسن حبیبی)؛ «مختصری در باب اهمیت تاریخ» (غلامعلی حداد عادل)؛ «مفاهیم کلیدی عرفان ابن عربی» (بهاء‌الدین خرمشاهی)؛ «کانت و منورالفکری» (رضا داوری اردکانی)؛ «پسوندها 'ناک' در زبان فارسی» (علی رواقی)؛ «اشاراتی به یک دانشمند و شاعر آواره» (غلام سرور همایون)؛ «حکمت مشرقی ابن سینا و الفبای فلسفی او» (ترجمه اسماعیل سعادت)؛ «ماده و صورت از نظرگاه زیباشناسی» (ترجمه احمد سمیعی «گیلانی»)؛ «۱۹۹ رباعی منسوب به شمس گنجه‌ای» (علی اشرف صادقی)؛ «ایساغوجی: مدخل علم منطق» (کامران فانی)؛ «خاطراتی شیرین از دوستی دیرین» (حمید فرزام)؛ «اپادانا: ایوان» (بدرالزمان قریب)؛ «حافظ و رکن‌الدین صائین هروی» (فتح‌الله مجتبائی)؛ «ملاحظات درباره نامه کانت به هرتر» (کریم مجتهدی)؛ «سخنی کوتاه

ترجمه‌ای ایشان از جمله کتاب‌های مهم فلسفی و کلامی نام برده شده است. «گفت و گو» با سعادت، به نقل از ماهنامه کتاب ماه، ادبیات و فلسفه (سال چهارم، شماره هفتم، اردیبهشت ۱۳۸۰)، حاصل میزگردی است که، با حضور شادروان رضا سیدحسینی، به دعوت محمدخانی، سردبیر وقت آن ماهنامه، تشکیل شده بود.

مقالات به ترتیب الفبائی نام نویسنده، در مجموعه درج شده‌اند و عناوین آنها به شرح زیر است: «نسخه گرشاسب‌نامه کتابخانه بریتانیا به نشان Or. 11,586» (محمود امیدسالار) که، در آن، این نسخه با نسخه حبیب یغمائی مقایسه و، ضمن ذکر اختلافات، به افتادگی‌های نسخه یغمائی اشاره شده است؛ «نگاهی به شرح بزرگ دیوان ناصر خسرو» (حسن انوری) که نویسنده، در آن، برخی نکات در شرح ابیات را متذکر شده است؛ «کران راه بر کره باید نشست» (مهری باقری) که، در آن، شرح این مصرع از داستان اسکندر و آب حیات در شاهنامه و دلیل مزیت نشست بر کره به جای نریان تیزتک آمده است؛ «ابوالحسن سنکبائی و پارسی‌گوئی او» (نصرالله پورجوادی) که بررسی دو جمله کوتاه به فارسی است از ابوالحسن سنکبائی، از زهاد سمرقند، در مجموعه خطی آثار ابو عبدالرحمان سلمی نیشابوری (وفات: ۴۱۲) محفوظ در کتابخانه دانشگاه اسلامی الامام محمد بن سعود در ریاض (شماره ۲۱۱۸) با عنوان «السُّلَمِيَّات»؛ «معنی و مصداق و غزلی از مولوی» (تقی پورنامداریان) که، در آن، به گزاره‌هایی به‌ویژه در شعر عارفانه اشاره شده که،

دربارۀ شروع فارسی فصوص الحکم» (مهدی محقق)؛ «کیندی، ابن سینا و مبانی علم مناظر» (حسین معصومی همدانی)؛ «ابن عربی و ترازنامه میراث فکری او» (محمدعلی موحد)؛ «وزن‌های تازه در شعر بهار» (ابوالحسن نجفی)؛ «چند خاطره از یک دوست مشترک» (سلیم نیساری)؛ «ارزش علمی مقاله محمدخوانساری دربارۀ تقسیم‌بندی الفاظ در منطق» (محمدحسین یمین).

زهراسادات حاجی سیدآقایی

جشن‌نامه استاد اسماعیل سعادت، زیر نظر حسن حبیبی، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران ۱۳۸۷، یازده + ۵۳۷ صفحه، مصور.

جشن‌نامه اسماعیل سعادت مجموعه مقالاتی است به قلم عده‌ای از اعضای پیوسته فرهنگستان همچنین دوستان و ارادتمندان ایشان. سعادت از مترجمان معتبر و چیره‌دست و خوش‌قلم و مجرب است. به مناسبت معرفی ایشان، به تصویب شورای فرهنگستان زبان و ادب فارسی، به عنوان چهره برگزیده سال ۱۳۸۷ از میان اعضای پیوسته شورا و هم‌زمان با آن، این جشن‌نامه در بزرگداشت بیش از پنجاه سال خدمات فرهنگی ایشان انتشار یافت.

مجموعه شامل «مقدمه» به قلم حسن حبیبی (ریاست فرهنگستان زبان و ادب فارسی)، «گفت و گو» با استاد، و ۲۹ مقاله است. در مقدمه، با اشاره به خستگی‌ناپذیری و دقت و تحصیلات و سوابق خدماتی سعادت، از برخی از مهم‌ترین آثار

هر چند با عادات تجربی ما چندان بیگانه نیست، احتمال مصداق یافتن آنها به نظر بعید می‌رسد؛ اما، به هر حال، معنایی ضمنی در آنها نهفته است که، با توجه به میراث فرهنگی و روابط بینامتنی، می‌تواند آشکار گردد و پذیرفته شود؛ «آرایش واکه‌ای و اژه‌های بسیط چهارهجایی و پنج‌هجایی در فارسی» (یدالله ثمره) که، در آن، آرایش مصوت‌ها در واژه‌های چندهجایی موصوف و محدودیت هم‌نشینی آنها بررسی شده است؛ «شاعرانگی‌های ابوسعید ابوالخیر» (یدالله جلالی پندری) که، در آن، ضمن اشاره به علاقه ابوسعید به شعر و شاعری از دوران کودکی، از آن یاد شده که وی می‌کوشید تا با تأویل اشعار به آنها معنای قرآنی بخشد و شاید بتوان نخستین تأویل‌های شعر عرفانی را در همین کوشش‌ها سراغ گرفت؛ «باورهای اخلاقی و دینی اسپینوزا» (محسن جهانگیری) که اختیار، عدالت و آزادی اجتماعی و مسائل اخلاقی از مباحث آن است؛ «توصیف و تحلیل جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی اسناد ازدواج و طلاق محضر خندق‌آبادی‌ها، تهران ۱۳۱۳-۱۳۲۴ق» (حسن حبیبی)، تحقیقی در اسناد ازدواج و طلاق محله‌چاله‌میدان، از محله‌های قدیمی تهران در همسایگی بازار و ارگ، متعلق به دوره مظفری که نویسنده، در آن، به ملاحظات جامعه‌شناختی مربوط به مهریه، شروط ضمن عقد، مسئله ایمنی و امنیت زوج، و نکات زبانی و ادبی اسناد پرداخته است؛ «زبان و زندگی اجتماعی امروز» (غلامعلی حداد عادل) که، در آن، تأثیر زبان در شیون اجتماعی و شغلی و اقتصادی و معیشتی

مردم بررسی شده است؛ «طوسی» (محمد حسن دوست) که، در آن، شواهد متعدّد در متون کهن فارسی درباره «رنگ طاووسی» یافته است و احتمال داده است که «طوسی» (رنگ) باید صورت تحول یافته «طاووسی» باشد؛ «جای گل در فرهنگ ایران کهن» (جلال خالقی مطلق) پژوهشی است درباره اهمیت گل در فرهنگ ایران کهن؛ «تجربه کاری و روان‌شناسی سعدی» (بهاء‌الدین خرّم‌شاهی) که، در آن، از تجربه‌آموزی‌ها و روان‌شناسی و زندگی پژوهی سعدی سخن رفته است؛ «فغان که با همه کس غایبانه باخت فلک» (ابوالفضل خطیبی) که نویسنده، در آن، با تأمل در غزلیات حافظ و شاهنامه و نقد آرائی که درباره جبرگرایی حافظ ابراز شده، کوشیده است به سرچشمه‌های آن دست یابد؛ «ارغنون ارسطو» (محمد خوانساری)، در معرفی رساله‌های ارسطو و رواج آن در جهان شرق و جهان غرب؛ «جایگاه فلسفه در ایران و جهان» (رضا داوری اردکانی)، در اهمیت فلسفه و تأکید بر این معنی که فلسفه، به حیث تفکر نه علمی از جنس علوم دیگر، هرگاه در فضای جامعه ساری گردد، طلب و همبستگی پدید می‌آورد و کسانی می‌توانند بر آن دست یابند که نیش‌های صدای زمان و تاریخ باشند؛ «ده واژه سغدی» (علی رواقی)، حاوی بررسی نمونه‌وار ده واژه سغدی با استقصا در برخی متون کهن؛ «متنی اندرزی به زبان سغدی» (زهره زرشناس)، برگردان دو فرورده از متن سغدی (از مجموعه‌ای موسوم به «داستان‌های سغدی» که در تورفان کشف شده) به فارسی و تحلیل آن؛ «تحول a- پایانی کلمات فارسی به e-»

به عنوان نوعی از انواع ادبی؛ «صفت‌های مختوم به -گی» (ابوالحسن نجفی)، پژوهشی در ساختن اسم از صفت و صفت از اسم با درآمدن پسوند -گی به آخر اسم یا صفاتی که به مصوّت e ختم می‌شوند و ذکر چند استثنا در این الگوی ساختاری؛ «از دست بشد یا از دست نشد؟» (سلیم نیساری) در مصرع اول از بیت «با چنین حیرتم از دست بشد [یا نشد] صرفه کار/ در غم افزوده‌ام آنچه از دل و جان کاسته‌ام» از حافظ؛ «سعید نفیسی و تاریخ بیهقی» (محمدجعفر یاحقی) در بررسی شیوه نفیسی در تصحیح تاریخ بیهقی، که التقاطی و اجتهادی توصیف شده، و تأثیر آن در چاپ فیاض. **جعفر شجاع‌کیهانی**

جشن‌نامه استاد دکتر محمدعلی موحد، زیر نظر حسن حبیبی، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران ۱۳۸۶، یازده + ۴۵۳ صفحه، مصور.

محمدعلی موحد مترجمی چیره‌دست و توانا، حقوق‌دانی برجسته، و محقق صاحب‌نظر است. او به سال ۱۳۵۲ شمسی در تبریز متولد شد؛ پس از دریافت دیپلم، به استخدام شرکت نفت آبادان درآمد؛ سپس، با کسب مدرک لیسانس حقوق از دانشگاه تهران، برای ادامه تحصیل، راهی انگلستان شد. از آثار اوست: ترجمه‌های رحله ابن بطوطه، جزیه در اسلام اثر دانیل دینت، ترجمه فصوص الحکم ابْنِ عَرَبی، عدالت و انرژی از ایوان ایلیچ، چهار مقاله در آزادی از ایزایا برلین، و

(علی‌اشرف صادقی)، بررسی تحوّل مصوّت a- به e- در تلفظ معیار امروز در کلماتی نظیر «بنده»، «نامه» و «خانه» براساس شواهدی از متون کهن و با ذکر دلایل زبان‌شناختی؛ «شهر شاعر و عارف‌پرور بلخ» (حمید فرزام)، در معرفی کوتاه شاعران برخاسته از بلخ (ابوشکور بلخی، ابوالمؤید بلخی، شهید بلخی، ناصر خسرو، و مولانا جلال‌الدین)؛ «بردن bar- و آوردن ā-bar- در فارسی باستان» (بدرالزمان قریب)، در تلفظ برخی صیغه‌های فعلی ریشه bar- با پیشوند ā با یادکرد از نظر محققان پیشین چون کُنت و اشمیت و نقد آنها؛ «زال: زُرّوان شاهنامه» (میرجلال‌الدین کرکازی) که نویسنده، در آن، بر پایه اوصاف ظاهری و عمر دراز (افزون از هزار سال) و بی‌انجامی زال، او را زُرّوان شاهنامه خوانده است؛ «شاه اسماعیل‌نامه» (جعفر شجاع‌کیهانی)، معرفی نسخه‌ای از شاه اسماعیل‌نامه سروده قاسمی گنابادی (وفات: ۸۹۲) از شاعران عصر شاه اسماعیل و شاه طهماسب؛ «اختلال مشاعر» (مهدی محقق)، شمه‌ای در وصف عارضه مالیخولیا به نقل از متون پزشکی اسلامی مانند الأرزوزة فی الطب، ذخیره خوارزمشاهی، الحاوی؛ «راز بندی شدن ضحاک در سنت‌های دینی و حماسی ایران» (چنگیز مولایی)، در فرجام کار ضحاک و دربند شدن او به دست فریدون براساس روایت شاهنامه و بررسی آن در دینکرد و جستجو در پیشینه داستان در حماسه کهن هندی؛ «مناظره» در کتاب جزئیات و کلیات (چهل ناموس) اثر ضیاء‌الدین نخشبی (علی محمد مؤدّتی)، معرفی مناظره در ادب فارسی

خزران از آرتور کِستلر؛ تصحیح مقالات شمس تبریزی، حدیقة الحقیقه، و سلوک الملوک؛ تألیفاتی در زمینه حقوق چون خواب آشفته نفت، دعوی باطل یا مبالغه مستعار در رد ادعای مالکیت سه جزیره تُنب کوچک و تُنب بزرگ و ابوموسی از جانب دولت امارات؛ و آثار تحقیقی چون شمس تبریزی و در هوای حق و عدالت.

در مقدمه به قلم حسن حبیبی، موحد استادی فرهیخته، دانشی مردی فروتن، کم‌سخن، پرکار، اهل معنی و صاحب‌دل، نکته‌دان و نکته‌بین، و ذوالفنون توصیف شده است. وی، از جهتی، بلندآوازه و شناخته‌شده و، از دیگر جهت، ناشناخته خوانده شده، دانشمندی پرمایه و فرزانه که بعید است عمق کارها و مطالعاتش در بیرون از جماعت محدودی از فرهیختگان شناخته شده باشد. به دنبال مقدمه، گفت و گویی با استاد درباره زندگی و فعالیت‌های علمی و اجرایی او آمده؛ سپس مقاله به قلم عده‌ای از اعضای پیوسته فرهنگستان و ارادتمندان موحد به شرح زیر درج شده است: «نیایش بامدادی» (عبدالمحمد آیتی)؛ «در تعریف شعر» (منوچهر انور)؛ «نگاهی به نقد حافظ سایه» (حسن انوری)؛ «مروری بر زبان‌شناسی در ایران از آغاز تا به امروز» (یدالله ثمره)؛ «صحبت و ریاست در قرون ابتدایی پس از ظهور اسلام» (حسن حبیبی)؛ «مختصری در باب تأثیر میل و نفرت در احکام ذهن» (غلامعلی حداد عادل)؛ «حافظ و غزلیات شمس» (بهاء‌الدین خرمشاهی)؛ «تفسیر غزل معروف حافظ با کتاب مرصاد العباد» (محمد خوانساری)؛ «آن که نتوانست

نگوید و نتوانست نیز که بگوید» (محمود دولت‌آبادی)؛ «ابوالهیثم بدخشی است نه گرگانی» (غلام سرورهمایون)؛ «زبان فارسی ممیز ذی‌روح از غیر ذی‌روح» (اسماعیل سعادت)؛ «عدالت» (ترجمه احمد سمیعی «گیلانی»); «نسخه ترجمه تفسیر طبری کتابخانه قدس رضوی» (علی اشرف صادقی)؛ «سخنی درباره ابن عربی» (حمید فرزام)؛ «عناصر زردشتی در متون ایرانی میانه شرقی» (بدرالزمان قریب)؛ «سخنی چند درباره اخلاق فلسفی در فرهنگ ایرانی - اسلامی» (مهدی محقق)؛ «'موحد' روی کاغذ» (هوشنگ مرادی کرمانی)؛ «طنز در پند سعدی» (حسین معصومی همدانی)؛ «جراغ روشن خاموشی: فلسفه سکوت در مثنوی معنوی مولوی» (مصطفی ملکیان)؛ «دو شعر» (ضیاء موحد)؛ «فعل‌های سببی در فارسی گفتاری» (ابوالحسن نجفی)؛ «زیارت قبه خضرا و تماشای مراسم سماع» (سلیم نیساری)؛ «شمس رازی یا شمس تبریزی دیدگاهی از بینشمنند سترگ محمدعلی موحد» (محمدحسین یمین)؛ «عیسی در ادبیات بودائی» (فتح‌الله مجتبائی).
ز.ح.س. آ.

جعفری دهقی، محمود، جرعه بر خاک (یادنامه یحیی ماهیار نوابی)، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران ۱۳۸۷، ۲۷۵ (۱۲۸+۱۴۷) صفحه.

اگر کارنامه علمی یحیی ماهیار نوابی منحصر به گنجینه دست‌نویس‌های پهلوی و پژوهش‌های ایرانی

(چسنگیز مولایی)، «گاه‌شماری دوازده‌حیوانی در متنی به زبان ختنی» (مهشید میرفخرایی)؛
مقالات به‌زبان‌های انگلیسی و آلمانی و روسی:
«سندی از مباحثه افلاطونی دیگری در کتاب علمای اسلام»^۱ (سیامک آدهمی)، «بیست و پنج رباعی مازندرانی»^۲ (حبیب برجیان، مریم برجیان)، «نظری اجمالی بر فارسی میانه مانوی و پارتی»^۳ (ابوالقاسم اسماعیل‌پور)، «زادن در زبان‌های ایرانی»^۴ (الا فیلیپونه^۵)، «کلاسیک‌ها در جهان ایرانی»^۶ (ریچارد فرای^۷)، «اصطلاح یغان یسن و نقش یشت‌ها در مناسک زردشتی»^۸ (فیلیپ کـریرینبروک^۹)، «کلمه ختنی متأخر *avala dīmana*»^{۱۰} (مائورو ماچی^{۱۱})، «ماهیار نوایی، پهلوی‌دان کارشناس و نشردهنده متون فارسی میانه»^{۱۲} (الینا مالچانوا^{۱۳})، «کرم ابریشم

اومی‌بود، همان برای شناخت قدر و منزلت علمی بلندش کفایت می‌کرد. او شاگردانی چون ژاله آموزگار و محمود جعفری دهقی پرورد که اکنون در زمره استادان برجسته‌اند.

یادنامه نوایی به همت جعفری دهقی و حمایت گروه ایران‌شناسی مرکز دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی تهیه و در شماره چهارم مجموعه پژوهش‌های ایران‌باستان آن مرکز چاپ و منتشر شد.

در این مجموعه، مقاله‌ای در «زندگینامه و آثار ماهیار نوایی» به قلم محمود طاووسی، ۱۲ مقاله به زبان فارسی، ۹ مقاله به زبان انگلیسی، یک مقاله به زبان آلمانی و یک مقاله به زبان روسی مندرج است.

مقالات به زبان فارسی: «چگونه اهریمن می‌تواند به روشنی بتازد و چرا اورمزد اهریمن را از بد کردن باز نمی‌دارد؟ (ترجمه فصل‌های دوم و سوم شکند گمانیک وزار)» (ژاله آموزگار)، «ترکیب‌بندی از شاه داعی‌الله شیرازی، شاعر سده نهم هجری به گویش شیرازی کهن» (محمود جعفری دهقی)، «سیوند، ریشه و اشتقاق» (محمدتقی راشد محصل)، «ساسانیان و زردشتیان در چین و ژاپن» (حسن رضائی باغبیدی)، «نگاهی به نحو زبان سغدی» (زهره زرشناس)، «مهرهای خسرو انوشیروان» (علی شهیدی)، «اشعار تازه‌ای از آفرین‌نامه ابوشکور بلخی» (علی اشرف صادقی)، «ماهیار نوایی و سنگ‌نبشته بغستان (بیستون)» (بدرالزمان قریب)، «خرده‌اوستا در نگارش‌های نوین» (کتابیون مزداپور)، «پیشنهادی درباره تصحیح یک لغت اوستایی در یشت ۸، بند ۵۹»

- 1) Evidence of Another Platonic Dialogue in *The Doctors of Islam*
- 2) Twenty-Five Mazandarani Quatrains
- 3) A Survey of Manichaean Middle Persian and Parthian
- 4) 'Bearing a Child' in Iranian
- 5) Ela Filippone
- 6) Classics in the Iranian World
- 7) Richard N. Frye
- 8) The Term *Bagān Yasn* and the Function of *Yašts* in the Zoroastrian Ritual
- 9) Philip G. Kreyenbroek
- 10) Late Khotanese *avala dīmana*
- 11) Mauro Maqqi
- 12) Махйар Навваби-знаток и издатель среднеперсидских текстов
- 13) Elena Molchanova

در سغدی»^{۱۴} (سیمز ویلیامز^{۱۵})، «بافت شاعرانه در اوستای قدیم، گاهان و گُستی»^{۱۶} (پ.ا. شروو^{۱۷})، «هخامنشیان و حکومت جهانی: یک طرح»^{۱۸} (یوزف ویزه هوفر^{۱۹}).

در این مجموعه، مقالات به ترتیب الفبائی نام خانوادگی مؤلفان درج شده است.^{۲۰} همه مقالات تألیفی است و با مباحث مورد علاقه شادروان نوابی وفق دارد. گزینش مقالات به دلیل محدودیت فضایی انجام گرفته است.

مقاله **ژاله آموزگار** گزارش فصل‌های دوم و سوم شکند گمانیک وزار است. شکند گمانیک وزار یا گزارش گمان‌شکن اثری است کلامی در دفاع از باورهای مزدیسنايي و نقد ادیانی دیگر از مردان فرخ پسر اورمزد. این فصول حاوی پاسخ‌های نویسنده است به مهریار پسر مهماد اصفهانی. در گزارش، متن پازند اساس اختیار و از متن پهلوی متأخر نیز استفاده شده است.

در مقاله **محمود جعفری دهقی**، دیدگاه عرفانی شاه داعی‌الله شیرازی، شاعر و عارف قرن نهم هجری، بیان و گویش شیرازی قرن نهم هجری از نظرگاه زبان‌شناسی بررسی شده است.

مقاله **اشدمحصّل** به بررسی ریشه نام سیوند اختصاص یافته است. این نام، در سال‌های اخیر، به دلیل ایجاد سد آن و به زیر آب رفتن بسیاری از آثار باستانی از جمله راه شاهی متعلق به عصر هخامنشی و نیز تأثیر نامطلوب آن بر آرامگاه کورش، زیانزد رسانه‌ها شده است. برای این نام، ریشه‌های متعددی پیشنهاد شده که نویسنده،

پس از ذکر و بررسی آنها، ریشه *θikā-vant* را برای آن مناسب یافته است. *θikā-* در پارسی باستان اسم مؤنث به معنی «سنگریزه و شفته» است که در فارسی میانه *sēg* و *sīg* (هم‌ریشه با *sang* و *sag*) شده است. *g* پایانی *sēg* و *sīg*، در فارسی نو، می‌افتد و واژه به «سی» بدل می‌شود. پسوند «-وند»، بازمانده *-vant* باستانی، نیز بر «دارندگی» دلالت دارد. بنابراین، سیوند ترکیبی است به معنای «دارنده سنگ» که ظاهراً با وضع جغرافیائی منطقه مطابقت دارد.

در مقاله **حسن رضائی باغبیدی**، روابط ایرانیان با چین و ژاپن در طول تاریخ، بر اساس شواهد، بررسی شده است. تماس چین و ایران، در اواخر قرن دوم پیش از میلاد، در پی سفر چانگ چین، فرستاده امپراتور چین ووتی، از امپراتوران سلسله هان، به آسیای مرکزی و سرزمین‌های شرقی ایران آغاز شد. احتمالاً پیش از این تاریخ نیز تماس‌هایی غیرمستقیم میان ایران و چین وجود داشته است. اما رضائی باغبیدی بررسی خود را از نخستین

- 14) The Silk Worm in Sogdian
 15) Nicholas Sims-Williams
 16) Poetic Weaving in the Old Avesta, the *Gāthās* and the Kusti
 17) P.O. Skjervø
 18) Die Achaimeniden und die Weltetherschaft: Ein Einwurf
 19) Josef Wieschölfer

^{۲۰} از این رو، مقاله طاووسی درباره زندگی و آثار استاد نوابی هشتمین است، در حالی که خواننده انتظار دارد با زندگی و آثار او در همان آغاز یادنامه آشنا گردد.

کرده است. در آغاز اشعار، بیتی عربی نیز به نام ابوشکور آمده که نشان می‌دهد وی عربی‌سرا نیز بوده است. بسیاری از کلمات این اشعار در نسخه تصحیف شده و نویسنده کوشیده است با تصحیح قیاسی صورت درست آنها را به دست دهد.

بدرالزمان قریب، در مقاله خود، از ماهیار نوابی به عنوان یکی از پیش‌کسوتان ترجمه کامل و روشمند کتیبه بیستون به فارسی یاد کرده و پیشنهادهای او را جز در چند مورد تا آن روز ناشناخته، از نظر سبک، به پیام داریوش، نزدیک‌تر دانسته است. از ویژگی‌های ترجمه ماهیار نوابی نزدیکی زبان آن به متن فارسی باستان، خالی بودن آن از عناصر زبان عربی و اختیار ساختارهای نحوی زبان فارسی قرن چهارم و حتی فارسی میانه وصف شده است. قریب، پس از بررسی برخی از معادل‌یابی‌های دقیق نوابی، به کاربرد بغستان به جای بیستون از جانب او اشاره می‌کند که به ریشه این نام و صورت کهن آن (**baga-stāna*) نزدیک‌تر است.

ماهیار نوابی، به همراهی محمود طاووسی و زنده‌یاد بهرام فره‌وشی و دستور جاماسپ‌آسا، طی چهار سال، ۵۷ جلد از نسخ خطی پهلوی و اوستایی را که در کتابخانه‌های پارسیان هند نگهداری می‌شد در شیراز منتشر کرد.

الندانچانووا، در مقاله خود، پس از شرح کارهای نوابی در عرصه نشر متون پهلوی از جمله دو متن درخت آسوریگ و یادگار زریران ویراسته خود او، به بررسی چاپ درخت آسوریگ و براساس متن مندرج در مجموعه جاماسپ‌آسا

تمایس رسمی آغاز کرده و به یزدگرد سوم و فرزندان او رسیده است که پسرش، پیروز، پس از تلاش نافرجام برای بازپس‌گیری حکومت از اعراب، به دربار چین رفته و امپراتور چین به او درجه نظامی مهمی داده و او را به جرگه محافظان مخصوص خود در آورده بود. از او، در ژین‌لینگ، مجسمه‌ای بی‌سر، در میان مجسمه‌های بی‌سر ورودی آرامگاه امپراتور کائوتسونگ و همسرش، پیدا شده که در پشت آن، هویت او به زبان چینی نگاشته شده است. در منابع چینی، شواهدی از رابطه ایرانیانی دیگر با چینیان وجود دارد که در این مقاله بررسی شده است. شواهدی نیز در دست است که نشان می‌دهد ایرانیان زردشتی از طریق چین به ژاپن رفته بوده‌اند. مؤلف این شواهد را بررسی کرده و، در دو قطعه شعر کهن ژاپنی در سوگ امپراتور ژاپن، وجود عناصری زردشتی چون فره با آوانوشت ژاپنی *fukuro* را تشخیص داده است. با توجه به رد پای شاهدختی ایرانی در دربار ژاپن، احتمال می‌رود که این اشعار سروده او باشد. بدین‌سان، مؤلف در حوزه‌ای ناشناخته در ایران، اطلاعات تازه‌ای به دست داده است.

از مثنوی آفرین‌نامه ابوشکور بلخی در بحر متقارب، که در سال ۳۳۳ هجری سروده شده و موضوع آن پند و اندرز است، ابیات پراکنده‌ای در فرهنگ‌ها، تذکره‌ها، قابوسنامه، تحفة الملوک، و مثنوی راحة‌الانسان بدیع یا بدایعی بلخی آمده است. **علی اشرف‌صادقی**، در مقاله خود، از نسخه خطی جلد اول کتابی کهن به نام *خوم‌نامه* یازده بیت و یک مصراع از این مثنوی نقل

پرداخته که در سال ۱۳۴۶ منتشر شده است. از مزایای ترجمه و شرح این متن پهلوی به قلم نوآبی توجه او به‌گوش‌های محلی و کوشش در یافتن ردّ برخی از واژه‌های این متن در گویش‌هاست. مزیت دیگر آن جداسازی واژه‌های پارتی بادقت بسیار از واژه‌های پهلوی است. نوآبی، در این گزارش، آوانویسی هنینگ را اختیار کرده که تلفظ جدیدتر را منعکس می‌سازد در حالی که، در همان‌اوان، آوانویسی با تلفظ تاریخی رایج‌تر بوده است. نوآبی، در این باب، گاه از شیوه مختار خود عدول کرده و یکدستی را رعایت نکرده است. نوآبی همه پژوهش‌هایی را که تا زمان او در متن پهلوی درخت آسورنگ انجام گرفته بود از نظر گذرانده و، در مقدمه، فهرست مفصل منابع و آثار ایران‌شناسان در این باب را به دست داده است. مؤلف ویرایش و گزارش و نشر متن درخت آسورنگ به قلم و همت ماهیار نوآبی را ستوده و این فراورده او را منبع ارزشمندی برای پژوهش در متون پهلوی قلمداد کرده است.

کتابیون مزداپور، در مقاله خود، تحقیق در حُرده اوستا را از نسخه‌های خطی که ملاً بهروز، پسر ملاً اسکندرِ اخترشناس، به سال ۱۲۲۶ یزدگردی/ ۱۲۷۳ هجری قمری به خط دین‌دبیره نوشته آغاز کرده و، با مطالعه نسخه‌هایی دیگر، از جمله نسخه چاپی موبد اردشیر آذرگشسب (تهران ۱۳۴۰) که ترجمه فارسی دارد و برای تدریس تهیه شده، و مقایسه آنها، اختلاف نسخه‌ها را مشخص و بررسی کرده است. به زعم

مؤلف، این تفاوت‌ها ناشی شده است از سیر تحول جامعه زردشتی و همچنین از بازیابی آثار دینی زردشتی در دنیای جدید که نظرگاه زردشتیان را نسبت به کیش نیاکانی خود دگرگون ساخته است.

از جمله آثاری که از زبان ختنی، یکی از زبان‌های ایرانی میانه شرقی، به دست آمده نوشته‌هایی است در گاه‌شماری و باورهایی درباره سعد و نحس ایام. بر مبنای این اسناد، مردم ختن دوره‌های دوازده‌ساله داشتند و هر یک از این سال‌ها به نام حیوانی نامیده می‌شد. در گاه‌شماری آن‌ان، شبانه‌روز به دوازده بخش دو ساعته تقسیم می‌شد و این دوازده بخش نیز به نام همان دوازده حیوان نامگذاری شده بودند. آن‌ان، بر اساس این نام‌ها، سال‌ها و اوقات شبانه‌روز را در طالع افراد مؤثر می‌دانستند. مهشیدمیرفخرایی، در مقاله خود، پس از توضیحاتی درباره گاه‌شماری ختنیان، قطعه‌ای به زبان ختنی در آن مایه را ترجمه کرده و واژه‌ها و نکات دستوری آن را شرح داده است. این قطعه شامل ۵۶ بند است و با عبارت «دوازده رهبر سال (*salva bāyā*) و تأثیر آنها» آغاز شده است.

علمای اسلام حاوی دو مباحثه کلامی زردشتی است که تاکنون توجه دانشمندان بسیاری را به خود جلب کرده و چندین مقاله درباره آن نوشته شده است. سیامک لاهی، در مقاله خود، بخشی از این کتاب را بررسی کرده که در آن از تفکر یونانی بهره‌جویی شده است. وی نشان داده که مؤلف مغ آن از بخشی از جمهور افلاطون استفاده

آیدنلو، سجّاد و علیرضا مظفری، آفتابی در میان سایه‌ای (جشن‌نامه بهمن سرکاراتی)، نشر قطره، تهران ۱۳۸۷، ۴۸۳ صفحه.

آفتابی در میان سایه‌ای، جشن‌نامه استاد بهمن سرکاراتی، مجموعه‌ای است شامل ۳۳ مقاله از محققان و پژوهشگران ایرانی که به مناسبت هفتاد سالگی استاد سرکاراتی و به پاس چهل سال تدریس و تحقیق عالمانه ایشان در زمینه فرهنگ و زبان‌های باستانی فراهم آمده است. کتاب، علاوه بر مقالات، مقدمه‌ای به قلم گردآورندگان دارد، و گفت‌وگویی با استاد نیز در آن بازچاپ شده است. سال‌شمار و کتاب‌شناسی استاد نیز ضمیمه کتاب است که عناوین کلیه کتاب‌ها، مقالات، طرح‌های پژوهشی، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های ایشان را در بر می‌گیرد.

در مقاله محمد تقی راشد محصل، «دکتر سرکاراتی: استاد نکته‌یاب و سخن‌سنج»، از عمق تحقیقات استاد و احتوای نوشته‌های او بر نکات و استنباط‌های تازه و پکر همچنین از زبان و بیان متأثر از مطالعات او در متون کهن به‌ویژه شاهنامه ستایش شده است.

ابوالقاسم سماعیل پور، در مقاله خود با عنوان «شاهنامه: گذار از اسطوره تا حماسه»، پس از بررسی و تحلیل چگونگی و کیفیت گذار از اسطوره به حماسه در شاهنامه، نتیجه گرفته است که بنیاد حماسه ملی ایران اساطیر کهن هندو ایرانی است که خصلت اسطوره‌ای آنها رنگ‌باخته و جنبه حماسی و شبه تاریخی گرفته است. ایزدانی چون یمه از پایگاه ایزدی خود فرود آمده به پادشاه

کرده است. بررسی تبادل فکری میان ایران و یونان، که دشوار و چالش‌برانگیز است و پیشینه آن به روزگار باستان بازمی‌گردد، در این مقاله به قرون پنجم تا پانزدهم میلادی (حدوداً تا قرن هشتم هجری) محدود شده است.

بیشترین توجه پروفیسور فرای در مقاله «متون کلاسیک در جهان ایرانی» به تعریف خود اصطلاح «کلاسیک» است. وی آن را بر ادبیات بازمانده از فرهنگی معین اطلاق می‌کند. اما آنچه در ایران کلاسیک خوانده شده فرق عمده‌ای با متون کلاسیک یونانی و لاتینی دارد. بیشتر متونی که بارها و بارها استنساخ و حفظ شده‌اند دینی بوده‌اند. روحانیان زردشتی نفوذ زیادی در زندگی مردم داشتند و آموزگاران بودند که تقریباً تمامی ادبیات پیش از اسلام را به انحصار خود درآورده بودند. با این حال، شعر فارسی نو، که شکوفائی آن را غالباً تحت تأثیر زبان عربی می‌دانند، به نظر فرای، باید ریشه در پیش از اسلام داشته باشد. در زبان فارسی، کلاسیک حقیقی را در شعر می‌بینیم و شاید این تفاوت عمده کلاسیک در غرب و در ایران باشد. شاهنامه فردوسی را نخستین اثر کلاسیک در زبان فارسی می‌دانند چون مبنایی برای شناخت هویت ایرانیان است. آنچه در این مورد اهمیت دارد پیام آن است که آن را از دیگر آثار کلاسیک فارسی متمایز می‌کند. آثار کلاسیک جهانی و ماندگارند و بررسی آثار کلاسیک برای ورود به فرهنگ بیگانه راه مطلوبی است.

آرزو رسولی (طالقانی)

بدل‌گشته‌اند. روند‌گذار از اسطوره به حماسه را در داستان‌های اوستا، متون پهلوی، و شاهنامه، با توجه به این معنی می‌توان پی‌گرفت.

مهری باقری، در «ملاحظاتی چند درباره‌ی وجه اشتقاق نام اوستا»، پس از نقل فرضیه‌های ایران‌شناسان، از جمله آندرئاس، بارتولومه، مولر، هنینگ، درباره‌ی آن، نظر سرکاراتی را بیان کرده است که، همچون بلاردی، آن را از ریشه‌ی stā- به معنی ایستادن با پیشوند upa- به معنی «نزدیک» دانسته و افزوده است که Apastāk مأخوذ است از upa-stā-ka به معنی «فهمیدن» و «دانستن» و آن را مقایسه کرده است با understand انگلیسی و وقوف عربی که از ریشه‌ی «وقف» است و «آگاهی» نیز معنی می‌دهد. به نظر وی، آنچه در ساخت واژه‌های هم‌معنی در زبان‌های گوناگون اهمیت دارد، ریشه است و پیشاوندها نقش چندانی ندارند.

غلامعلی حدّاد عادل، در مقاله‌ی خود با عنوان «می‌خواد منو بفروشه!»، با شاهد آوردن ابیاتی از اقبال لاهوری و حافظ و دیگران، در صدد اثبات این معنی برآمده که عبارت عامیانه‌ی «می‌خواد منو بفروشه!»، هر چند از زبان فردی غیرشاعر بر پیشانی خودروی قدیمی نوشته شده و گویای هدف راننده برای فروش خودرو است، شاعرانه و، به کلام دیگر، شعر کوتاه است. حدّاد عادل، در این نوشته، درباره‌ی معنی شعر و اصالت و جوهره‌ی آن و عالم درون شاعر بحث و از مفهوم فلسفی غربت انسان در طبیعت یاد کرده است.

محمدحسن دوست، در مقاله‌ی خود، «واژه‌های فریبکار»، بدون پرداختن به مباحث مفصل

ریشه‌شناسی، واژه‌ها و تعبیراتی را آورده که ظاهرشان موجب گمراهی اهل زبان در یافتن معنای درست آنها می‌شود.

سعیدحمیدیان، در مقاله‌ی «صوفی و حلوا»، با ارائه‌ی شواهدی از کلیات شمس و غزلیات سعدی، به بررسی معانی مجازی واژه حلوا با مضامین حول و حوش آن پرداخته و به ملازمت دو واژه صوفی و حلوا در متون عرفانی اشاره کرده و نتیجه گرفته است که حلوا را نیز باید در شمار نمادهای حوزه‌ی شعر عرفانی دانست.

محمد دبیرسیاقی نوشته‌ی کوتاهی دارد با عنوان «میزبان بخیل و میهمان گرسنه» که، در آن، خاطره‌ای از همنشینی با استاد سرکاراتی را نقل کرده است.

«حاشیه‌ای بر حواشی بهار» نوشته‌ی کوتاه **جلال خالقی مطلق** است درباره‌ی یادداشت‌هایی که ملک‌الشعرای بهار هنگام مطالعه‌ی شاهنامه‌ی مصوّر چاپ بمبئی در حاشیه‌ی آن نوشته و، در مواردی، چون نسخه‌ی معتبر در دست نداشته، حدسیات او تأیید نشده است.

بهاء‌الدین خوّشاهی، در مقاله‌ی «خدا/ خداوند، شرح نخستین بیت شاهنامه»، اظهار نظر کرده است که اندیشه‌های کلامی فردوسی در ابیات نخستین شاهنامه بازتاب یافته و بیانگر ژرف‌اندیشی او شده است. استاد و حکیم طوس، در عین حال، قلمرو عقل را محدود ساخته و در چنبر خردگرایی محض گرفتار نیامده است.

ابوالفضل خطیبی، در مقاله‌ی «بدین خرّمی بر بمانم دراز»، با یادکرد روزهای خوش حضور استاد

کرده است.

علی اشرف صادقی، در مقاله خود، «درباره وجه اشتقاق کلمه سبویه»، قدیم‌ترین شواهد برای یافتن وجه اشتقاق این واژه را نقل و صورت‌های گوناگون تلفظ و نگارش آن را بررسی کرده است.

در مقاله «زمخشری و مقدمه الادب» از **مهدی محقق**، حاوی اطلاعات دوازدهم دسترس، زمخشری و آثارش به اجمال و اختصار معرفی شده‌اند؛ سپس از چاپ‌های متعدد مقدمه الادب یاد و نسخه‌ای که «انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران» منتشر کرده معرفی شده است.

در «غار شاپور و بانوی مرزها» از **کتایون مزداپور**، اعتقاد ایرانیان باستان به وجود ایزدبانوانی که نگهبان مرزها بوده‌اند بررسی و رد پای این اعتقاد در متون پهلوی پیگیری شده است.

مؤلف مقاله را، پس از مطالعه دگرگونی باورها درباره بانوی نگهبان مرزها و پیوند وی با فرمانروایی و سلطنت، به پایان رسانده است.

یدالله منصوری در «بازخوانی داستان سیمرغ در متون ایرانی»، پس از ارائه گزارش لغوی مختصری از واژه «سیمرغ»، نشان این واژه را در **راوستا**، **مینوی خرد**، **گزیده‌های زاداسپر**، **بندهشن** و سپس متون ادبی پس از اسلام همچون **شاهنامه** و **منطق الطیر** جستجو کرده است.

مهشید میرفخرائی، در مقاله خود، «سبب زمین‌لرزه به باور ایرانیان باستان»، نامه‌های **منوچهر**، متنی پهلوی بازمانده از یکی از موبدان قرن چهارم هجری، را معرفی و بخشی از آن را همراه با برگردان فارسی نقل کرده است.

در فرهنگستان زبان و ادب فارسی، به بررسی ضبط‌های گوناگون بیتی از شاهنامه پرداخته است.

جلیل دوستخواه، در مقاله خود با عنوان «**خویدده** / **خویدودس** (خویشاوند پیوندی) رازواره‌ای در آموزه پسرین زرتشتی»، درون‌مایه واژه پهلوی «خویدده» را بررسی کرده است.

این واژه در گزارش‌های فارسی متن‌های پهلوی «ازدواج با خویشان» و «ازدواج با محارم» تعبیر شده که به نظر دوستخواه بسیار مبهم و پرسش‌برانگیز است.

در مقاله «**تحلیل هرمنوتیک داستان‌های دیوان در اساطیر و متون حماسی ایران**» از **منصور رستگارفسائی**، از ریشه واژه «دیو»، انواع دیوها و قدرت، ویژگی، نام و داستان آنها سخن رفته است.

«**واژه‌سازی در زبان سعدی**» از **زهره زرشناس** پژوهشی است درباره نام (اسم و صفت) و انواع بسیط و مشتق و مرکب آن در زبان سعدی.

شهین سراج، در مقاله مبسوط و مفصل «**چهره و شخصیت زنان جنگاور در حماسه‌های ایرانی**»، به حضور زنان در آثاری می‌پردازد که از قرن چهارم تا پایان قرن ششم پدید آمده‌اند. وی هدف عمده این پژوهش را ارائه چهره و حضور دیگری از زنان در داستان‌ها و روایات حماسی معرفی کرده است.

محمد رضا شفیعی کدکنی، در مقاله کوتاه خود، «**منشأ موتیف کوزه‌گر در شعر خیام**»، نمایی روشن از تاریخچه کاربرد این موتیف در آثار پیش از خیام و پس از او عرضه داشته است.

سیروس شمیسا، در مقاله «**درخت سیاوش**»، قرائت خود از داستان سیاوش در شاهنامه را بازگو

محمدجعفریاحقی، در مقاله «رودکی و فردوسی»، تأثیر جهان‌بینی رودکی بر فردوسی را بررسی کرده و مشابهت‌هایی میان نگرش‌های حکیمانۀ آنان یافته و نهایتاً آن دو را پدر و فرزند راستین شعر فارسی خوانده است.

سجادآیدنلو نیز، در مقاله «کلاه سر دیو سپید»، در جست‌وجوی یکی از متعلقات رستم (کلاه) تصویر این پهلوان را در شاهنامه و به موازات آن، در روایات شفاهی، بررسی کرده است.

آفتابی در میان سایه‌ای حاوی مقالات دیگری است که فهرست‌وار به عنوان آنها اشاره می‌شود: «روایتی دیگر دربارهٔ هما» (مهران‌افشاری)؛ «مینیاتورهای الحاقی دست‌نویس شاهنامهٔ موزهٔ متروپولیتن نیویورک به شمارهٔ ۲۹۰، ۱۹۷۴ معروف به دست‌نویس گوتمان» (حمود امیدسالار)؛ «شگفتی‌ها و سهیگی‌های سیستان» (حمودجعفری‌دهقی)؛ «اهمیت نهاد پادشاهی سلوکی در شکل‌گیری ایدئولوژی شاهنشاهی در ایران باستان» (تورج دریایی)؛ «آذربایجان در کتیبه‌های اوایل دورهٔ ساسانی» (مهرداد قدرت‌دیزجی)؛ «بررسی و تحلیل روش فردوسی در کاربرد قرآن و حدیث» (حمودرضا رشلمحصل)؛ «کلیله و دمنه به روایت شاهنامهٔ فردوسی» (حمود روح‌الامینی)؛ «پزشک و بیمار در متن کهن دینکرت-۳» (تیمورقادی)؛ «نشانه‌های محلّ ضرب بر پشت سگه‌های ساسانی» (خسرو قلی‌زاده)؛ و «اصلاح قیاسی بیتی از شاهنامه» (اکبر نحوی).

کریستینه آلیسن، آنکه ییشتن - پروشکه و آنتیه ویتالاند، با همکاری کیانوش رضانیا، از دینا تا دین: دین، فرهنگ و زبان در ایران زمین (جشن‌نامهٔ فیلیپ کریئبروک به مناسبت شصتمین زادروز او)، هاراسویش، ویسبادن ۲۰۰۹، ۳۲+۵۰۱ صفحه.

Christine Allison, Anke Joisten-Pruschke und Antje Wendtland, unter Mitarbeit von Kianoosh Rezanian, *From Daēnā to Dīn: Religion, Kultur und Sprache in der iranisch Welt (Festschrift für Philip Kreyenbroek zum 60), Geburtstag, Wiesbaden: Harrassowitz, 2009, 32+ 501 Seiten.*

این جشن‌نامه به مناسبت شصتمین سال تولّد پروفیسور فیلیپ گ. کریئبروک، استاد ایران‌شناسی دانشگاه گئورگ - آگوست گوتینگن^{۲۱} (آلمان) فراهم آمده و منتشر شده است.

در کارنامهٔ پژوهشی فیلیپ کریئبروک، که در آغاز این جشن‌نامه آمده، آثار منتشرشده از او در سال‌های ۱۹۷۸-۲۰۰۹ همچنین نوشته‌های زیر چاپ یا در دست‌تهیۀ او، شامل ۱۲۰ عنوان (کتاب، مقاله، نقد، کتاب‌های منتشرشده زیر نظر او و سایر نوشته‌های علمی - پژوهشی)، معرفی شده است. از جمله حوزه‌های اصلی کار پژوهشی این ایران‌شناس فرهنگ و آیین زردشتی و فرهنگ‌های شفاهی ایرانی است.

کریئبروک - که در سال ۱۹۹۶، پس از بازنشستگی دیوید نیل مک‌کینزی^{۲۲}، به جای او،

21) Georg-August-Universität Göttingen

22) David Neil MacKenzie

انجمن مطالعات شفاهی ایران‌شناسی^{۲۸} را تأسیس کرد که اکنون ده سال است فعالانه امکان تحقیق در میراث فرهنگی شفاهی را فراهم می‌سازد. کریپنبروک در سال ۱۹۹۴ به استادی زبان‌ها و ادیان ایرانی دانشگاه لندن و دو سال بعد به استادی در رشته ایران‌شناسی دانشگاه گِئورگ-آوگوست گوتینگن برگزیده شد.

کتاب‌هایی که تاکنون به قلم کریپنبروک منتشر شده‌اند، به ترتیب تاریخ انتشار، به شرح زیرند:

Sraoša in the Zoroastrian Tradition, Brill, Leiden 1985;

The Hērbedestān and Nērangestān, 4 Vols., *Studia Iranica*, Paris 1992-2009 (Together with F.M. Korwal);

Yezidism: Its Background, Observances and Textual Tradition, Edwin Mellen, Lewiston N.Y. 1995;

Living Zoroastrianism: Urban Parsis Speak about their Religion, In collaboration with S.N. Munshi, Curzon, Richmond 2001;

God and Sheikh Adi are Prefect: Sacred Poems and Religious Narratives from the Yezidi Tradition, Harrassowitz, Wiesbaden 2005. (Together with Kh. Jindy Rashow)

جشن‌نامه فیلیپ کریپنبروک، که مقاله‌های

23) Utrecht

24) British Council

25) School of Oriental and African Studies (SOAS)

26) *Sraoša in the Zoroastrian Tradition*

27) Senior Lecturer

28) Society for Iranian Oral Studies (SIOS)

صاحب کرسی ایران‌شناسی دانشگاه گِئورگ-آوگوست شد، تاکنون ایران‌شناسان بسیاری را در مقاطع متعدّد تحصیلی تربیت کرده است.

در پیشگفتاری که آنکِه ئیستین - پروشکِه، یکی از گردآورندگان، بر جشن‌نامه نوشته است، درباره سوابق تحصیلی و فعالیت‌های علمی این استاد آمده است:

فیلیپ کریپنبروک، پس از فارغ‌التحصیل شدن از دبیرستان علوم انسانی، تحصیل زبان‌های عربی و فارسی را در دانشگاه آمستردام آغاز کرد و آن را، در سال ۱۹۷۰، با نمره عالی به پایان برد. سپس به دانشگاه دولتی اوئترخت^{۲۳} رفت و، در سال ۱۹۷۲، از این دانشگاه، مدرک فوق لیسانس در ایران‌شناسی قدیم و ایران‌شناسی جدید و تاریخ ادیان کسب کرد. بلافاصله پس از آن، برای سال‌های ۱۹۷۲ و ۱۹۷۳، از شورای فرهنگی بریتانیا^{۲۴} بورس تحصیلی در رشته فرهنگ و آیین زردشتی، زبان‌های باستانی ایران و زبان گجراتی در مدرسه مطالعات شرقی و افریقایی^{۲۵} گرفت. سال ۱۹۷۳ به پایان نرسیده بود که وی استاد مطالعات ایران‌شناسی در دانشگاه اوئترخت شد. در سال ۱۹۸۲، با گذراندن پایان‌نامه (سروش در سنت زردشتی^{۲۶}) از دانشگاه لیدن، به اخذ درجه دکتری نایل آمد. سپس، در سال ۱۹۸۵، استاد^{۲۷} مطالعات ایران‌شناسی در دانشگاه اوئترخت شد. علاقه او به تحقیق در زبان و فرهنگ گُردها و پشتوها و بلوچ‌ها موجب شد تا در سال ۱۹۸۸ به مقام استاد زبان‌های نو ایرانی در مدرسه مطالعات شرقی و افریقایی برگزیده شود. کریپنبروک

Zoroastrian Cosmology and Armenian Heresiology to the Russian Novel”.

STEWART, Sarah, “On the Use of Oral Testimony in Understanding Religious Tradition: An Interview with Mrs. Shehnaz Neville Munshi”.

دین و فرهنگ کُردی - یزیدیان و اهل حق

JONG, Albert de, “The Peacock and the Evil One: Tawusi Melek and the Mandaean Peacock”.

RAEI, Shahrokh (شاهرخ راعی), “Der Zusammenhang zwischen den religiösen Traditionen der Khaksar und denen der Ahl-e Haqq: Eine Perspektive zum historischen Verständnis der Khaksar-Derwische”.

(رابطه سنت‌های مذهبی خاکسار و اهل حق: چشم‌اندازی برای درک تاریخی دراویش خاکسار)

عصره‌خاموشی

el HORABI, Heike Sternberg, “Der Gute Gott, Herr der Beiden Länder, Dareios”: Bemerkungen zur Stele Berlin ÄS 7493”.

(خدای خوب، سلطان هر دو کشور، داریوش: نکاتی درباره کتیبه برلین ÄS 7493)

تاریخ و فرهنگ ایران پس از اسلام

MILLS, Margaret A., Ravshan RAHMONI, “Methods and Grounds for Comparison: Two Persian Oral Tales”.

REZVANI, Saeid (سعید رضوانی), “Hāfez die Notwendigkeit der menschlichen Willensentschlüsse und ein Missverständnis”.

(حافظ، جبر انسانی و یک سوءتفاهم).

سعید رضوانی

جمعی از همکاران و دوستان و شاگردان او در آن گردآمده، علاوه بر فهرست تبریک‌گویندگان و فهرست آثار او و پیشگفتار، حاوی ۳۰ مقاله و فهرست نویسندگان با معرفی مختصر آنان است. مقاله‌ها (به زبان انگلیسی و آلمانی) در پنج بخش فقه‌اللغه ایرانی، فرهنگ و آیین زردشتی، دین و فرهنگ کُردی - یزیدیان و اهل حق، عصر هخامنشی، و تاریخ و فرهنگ ایران پس از اسلام فصل‌بندی شده‌اند. نویسنده پیشگفتار درباره موضوع مقاله‌ها چنین توضیح می‌دهد:

در برخی از مقاله‌ها، نتایج پروژه‌های تحقیقاتی فیلیپ کریئبروک پی‌گرفته شده است و، در برخی دیگر، بحث‌های علمی نویسنده و کریئبروک دنبال شده؛ برخی هم به مباحثی دیگر متعلق‌اند و نویسنده، در آنها، کوشیده است، با طرح پرسش‌هایی، ربط رشته خود را با ایران‌شناسی نشان دهد.

به عنوان نمونه، نگاهی به عناوین بعضی از مقاله‌ها و نام نویسندگان آنها می‌افکنیم:

فقه‌اللغه ایرانی

MOQADDAM, Azhideh (آژیده مقدم), “Ancient Geometry and ‘Proto-Iranian’ Scripts: South Konar Sandal Mound Inscriptions, Jiroft”.

WHITTAKER, Gordon, “Milking the Udder of Heaven: A Note on Mesopotamian and Indo-Iranian Religious Imagery”.

فرهنگ و آیین زردشتی

Russell, James R., “The Rime of the Book of the Dove (*Stikh o Golubinoi knige*): From

نشریات ادواری

فصلنامه پاژ، جشن‌نامه دکتر جلال خالقی مطلق، سال اول، ش ۴، زمستان ۱۳۸۷، گردآوردگان: محمود امیدسالار، ابوالفضل خطیبی، سجّاد آیدنلو.

جلال خالقی مطلق، استاد بازنشسته دانشگاه هامبورگ آلمان، حدود چهل سال از عمر خویش را صرف کار سنگین تصحیح انتقادی شاهنامه فردوسی کرد و متنی منقح از آن به دست داد که، به ارزیابی عده‌ای از محققان، معتبرترین متن حماسه ملی ایران سروده شاعر بزرگوار طوس است.

این جشن‌نامه، که به مناسبت هفتاد و دومین سالروز تولّد خالقی هم‌چنین انتشار کامل همه دفترهای متن شاهنامه و یادداشت‌های ایشان و همکارانشان گردآوری و منتشر شده، شامل دو پیشگفتار از فصلنامه پاژ و گردآوردگان زندگینامه و فهرست آثار خالقی مطلق، و چند مقاله از دوستان و ارادتمندان او به شرح زیر است: «اگر شاهنامه‌ای نمی‌بود» (محمّدعلی اسلامی ندوشن)، در اهمیت شاهنامه برای ایرانیان در طول تاریخ، افسانه‌پردازی‌ها درباره شخصیت فردوسی و پیامدهای احتمالی نبود حماسه ملی سروده او؛ «ویژگی‌های شاهنامه تصحیح دکتر جلال خالقی مطلق» (ابوالفضل خطیبی)، درباره ویژگی‌های شاهنامه تصحیح خالقی مطلق و نظرهایی که در ارزیابی آن اظهار شده است؛ «دو احتمال در تفسیر و تصحیح دو بیت از شاهنامه خالقی»

(محمود امیدسالار) و «مویی به ریسمان تصحیح چند بیت از شاهنامه» (محمّدجعفر یاحقی) که، در آنها، براساس شواهد و قراین، پیشنهادهای تازه‌ای ارائه شده است؛ مقاله‌ای از جلیل دوستخواه شامل چند بخش ذیل عنوان «سخنی کوتاه در شناخت پیشینه زبان فارسی، زبان فارسی در پویایی هزار ساله، گرایش آرمان‌خواهانه به ایران باستان و سره‌نویسی، زبان فارسی و ترکیب واژگان آن، زبان فارسی و نیازهای کنونی، خط فارسی و نیازهای کنونی به پیشینه، ساختار و سامان زبان فارسی»؛ «فردوسی و تاریخ شاهنامه» (علی حصوری) که، در آن، هرگونه رابطه فردوسی با سلطان محمود غزنوی انکار شده است؛ «آرمان رهبری در شرق» (محمّدرضا راشد محصل) که نویسنده، در آن، پس از نقل شواهدی کوتاه از هرودت، افلاطون، زردشت، و کنفوسیوس در اصول کشورداری شرقیان، براساس داستان‌های پهلوانی شاهنامه، لوازم کشورداری (هنر و نژاد، دادگری، پیمان‌داری، شجاعت، پرهیزگاری و پارسایی، و مردم‌داری و رعیت‌پروری) را برشمرده و درباره آنها سخن گفته است؛ «از عوج بن عنق تا گندرو دیو» (مهران افشاری) که، طی آن، گندرو دیو، پتیاره‌ای که در اوستا و روایات پهلوی به دست گرشاسب کشته می‌شود، با عوج بن عنق، موجود عجیب الخلقه داستان‌های سامی که در روایات و متون ایرانی نیز وارد گشته مقایسه و وجوه شباهت آنان نشان داده شده است؛ «چراننده کرکس اندر

نبرد» (احمد مهدوی دامغانی) که، در آن، نظایر مضمون «کشتن دشمن و پیکر او را طعمۀ درندگان و پرندگان ساختن» در شاهنامه در شعر عربی نشان داده شده است؛ «میکالیان از دار سغد تا دار بلخ» (مهدی سیدی)، در معرفتی خاندان نژاده ایرانی میکالی که حسنک وزیر به آن تعلق داشته تا قرن پنجم؛ «جام فریدون» (سجاد آیدنلو) که، در آن، شواهد متعدّد از متون ادبی و تاریخی در اشاره به این جام نقل و بررسی شده است؛ «منتخبات شاهنامه فردوسی» (محمد دبیرسیاقی) که، در آن، ضمن اشاره به چند گلچین شاهنامه، نسخه‌ای از منتخبات شاهنامه که یوسف ضیا از اهالی ترکیه آن را حدود صد و بیست و سه سال پیش تهیه کرده و در سال ۱۳۰۶ق به چاپ رسانده معرفتی شده است؛ «آیین تدفین سکاها بر پایه سروده‌های حماسی ایران» (اکبر شامیان ساروکلائی) که نویسنده، در آن، با تحلیل روایات سکایی در سروده‌های حماسی ایران، مهم‌ترین مراسم تدفین در آن قوم - بریدن بش و دم اسب و گیسوی زن، دفن ابزار و اسب پهلوان، کاربرد مواد معطر، تابوت و لوح زرین، خاک‌سپاری، ساخت دخمه، گماشتن نگهبان برای دخمه - را وصف کرده است؛ «جشن هزاره فردوسی» (روان شاد شاپور شهبازی با ترجمه سلمان ساکت برگرفته از دانشنامه ایرانیکا) که، در آن، ابتدا به بانیان جشن (سید حسن تقی‌زاده، کیخسرو شاهرخ، محمدتقی بهار و محمدعلی فروغی) و دستاوردهای مهم آن

(انتشار آثار پژوهشی درباره فردوسی و شاهنامه) اشاره شده سپس تصویر و اسامی شرکت‌کنندگان در این جشن آمده است؛ «یادی از آندریاس و یکی از نوشته‌های او» (بیژن غیبی) که نویسنده، در آن، به اختصار، از زندگی علمی فریدریش کارل آندریاس، ایران‌شناس آلمانی، سخن گفته سپس نظر او را درباره «ببر بیان»، که در شاهنامه آمده، گزارش کرده است؛ «فردوسی و حماسه جهانی او در حوزه پژوهش‌های عرب» (مهدخت پورخالقی چترودی و فاطمه بخیت) که، در آن، ضمن اشاره به تحقیقات پژوهشگران معاصر عرب درباره شاهنامه و فردوسی، مباحثی چون تأثیر شاهنامه بر ادبیات عرب، شاهنامه و ادبیات تطبیقی عرب، شاهنامه و ناقدان عرب، و شاهنامه و پژوهش‌های لغوی مطرح شده است؛ داریوش کارگر، در مقاله خود، از دانش پزشکی زردشت، که در متون فارسی میانه به آن اشاراتی شده، یاد کرده و روایتی منظوم از مینو خرد سروده داراب هُرمزدار سنجانه را معرفی کرده و، در پایان، متن تصحیح‌شده پاره مربوط به پزشکی را از آن منظومه نقل کرده است؛ «آداب و هنر نامه‌نگاری در شاهنامه فردوسی» (علی محمدی خراسانی)؛ «ضحاک» (سعیدالله قره‌بگلو)؛ «خاستگاه نام‌گذاری دژ اهریمنی بهمن در شاهنامه» (آرش اکبری مفاخر)؛ «ایندرا، ایزد جنگ» (پروین پورمجیدیان) سایر مقالات این مجموعه‌اند.

مقاله

اندرون ← اندون، پرورش ← پروش، دراز ← داز، مروارید ← مرواید.

– در برخی از کلمات حذف صامت *r* موجب التفای دو مصوّت می‌گردد که برای سهولت تلفّظ یکی از دو مصوّت حذف می‌شود. از این دست است آفریدگاران که، پس از حذف صامت *r*، دو مصوّت *ā* در پی هم می‌آیند که یکی از آنها حذف می‌شود. نمونه‌های دیگر آن است: پلیدکاران ← پلیدکان، زناکاران ← زناکان، زیانکاران ← زیانکان.

نویسنده، با معرفی متونی که شواهد این تحوّل را دربردارند و تاریخ‌کتابت آنها، کوشیده است زمان و خاستگاه این تحوّل را به دست دهد. وی نتیجه گرفته است که این تحوّل در قرن‌های پنجم تا دهم در مناطق شرقی و مرکزی ایران مانند خراسان و نیشابور و ری رایج بوده است. ز.ح.س. آ.

عمرانی، هاله، «از آن پدر این دختر: ایدئولوژی آخرین شاهان ساسانی و به قدرت رسیدن بوران دخت»، نامۀ ایران باستان، سال هفتم، شماره اول و دوم (پیاپی ۱۳ و ۱۴)، ۱۳۸۶، تاریخ انتشار: اسفند ۱۳۸۷.

Emrani, Haleh, "Like Father, Like Daughter: Late Sasanian Imperial Ideology and the Rise of Bōrān to Power", *Nome-ye Irān-e Bāstān*, Vol. 7,

حاجی‌سیدآقایی، اکرم‌السادات، «بررسی تحوّل‌ات یک واژه فوت‌شده از فرهنگ‌های فارسی»، نامۀ پارسی، شماره ۴۶ و ۴۷، بهار و تابستان ۱۳۸۷، ص ۷۵-۹۵.

نویسنده، در مقدمه مقاله، خاطر نشان ساخته که، بر اثر تحوّل‌ات زبان فارسی در بستر پرتلاطم حوادث تاریخی، تفاوت فاحشی بین گذشته و حال این زبان پدید آمده است. وی، ضمن اشاره به پیشینه فرهنگ‌نویسی و قدمت دیرینه آن، یادآور می‌شود که در لغت‌نامه‌های فارسی همه واژه‌ها یا صورت‌های متروک برخی از واژه‌ها ثبت نشده و تحوّل آنها نشان داده نشده است. یکی از این واژه‌ها آفریدگاران در ترجمه «الخالیقون» است که به صورت آفریدگان درآمده است. نویسنده، با ارائه شواهدی از متون کهن و گویش‌های امروزی، جریان این تحوّل را شرح می‌دهد و اظهار می‌دارد که در این واژه با دو تحوّل آوایی روبه‌رو هستیم یکی حذف صامت *r* و دیگری حذف مصوّت *ā* که برای این هر دو پدیده زبانی در متون کهن شواهد متعدّد می‌توان سراغ گرفت که وی چند شاهد محض نمونه ذکر می‌کند.

– حذف صامت *r* پس از مصوّت بلند: آشکار ← آشکا، انار ← انا، مورچه ← مورچه، تنور ← تنو در گویش تالشی لنکران و آستارا و گیلان؛ کور ← کو در گویش تالشی لنکران؛ بگیر ← بگی در گویش دوانی و کازرونی.

– حذف صامت *r* در میان دو مصوّت:

**Nos. 1-2, Serial Nos. 13-14, 2007-2008,
Published in March 2009.**

پادشاهی بوران و، پس از او، خواهرش آذرמידخت، هرچند کوتاه، مهم و بحث‌انگیز بوده است. در عصر ساسانی، هیچ زن دیگری پیش و پس از آن دو به پادشاهی نرسید. این واقعه، با توجه به محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی زنان در ایران عصر ساسانی، اهمیت بیشتری یافته و محققان متعدّد از جمله جمشید چوکسی، آلبرت دو یونگ، و منصور شکی به آن توجه کرده‌اند. عمرانی، در این مقاله، عواملی را بررسی کرده که، با توجه به مرام شاهنشاهی در ایران خصوصاً شاهنشاهان ساسانی، به حکومت این دو زن و جهت قانونی داده است.

در این مرام، شاه به دلیل برخورداری از خوَرّه (فرّه ایزدی)، ودیعه‌ای الهی برای پادشاهی، مشروعیت داشت و این خوَرّه خاصّ خاندان شاهی بود. از طرفی، شاهان ساسانی خود را به شاهان اساطیری کیانی نیز منسوب می‌دانستند که پاسداران حقیقی فرّه بودند. وقتی بوران در سال ۶۲۹ م به سلطنت رسید، به عنوان فرزند خسرو پرویز، که پسر نداشت، شایستگی جانشینی او را داشت؛ چون پاسدار حقیقی خوَرّه بود. وی یگانه زن سلسله پادشاهی است که تصویرش، با

تاجی بر سر، بر سکه‌های ساسانی منقوش است. این تاج و تاج خسرو پرویز، هر دو، نمادی بودند از ایزد بهرام، ایزد پیروزی با بال‌های گسترده. ظاهراً شباهت تاج بوران با تاج خسرو جنبه نمادین داشت برای آنکه رابطه میان دختر و پدر را پُررنگ‌تر سازد.

چهره ظاهری شاه نیز در مشروعیت بخشیدن به پادشاهی او دخیل بود. در توصیفی که از بوران می‌شود و در نقش سکه‌ها این چهره را می‌توان دید. وی، همچون دیگر شاهان ساسانی با تبریزی در دست بر تخت سلطنت نشسته است. ضمناً برای برخورداری از فرّه ایزدی جنسیت شرط نبوده است. در گاهان، زنان از نظر معنوی همان جایگاه مردان را دارند.

به نظر مؤلف مقاله، به سلطنت رسیدن بوران و آذرמידخت سنت‌شکنی نبود بلکه، به نوعی، اقتضای شرایط برای حفاظت از مرام و سنت شاهنشاهی ساسانی بود. خون شاهی در رگ‌های این دو خواهر جاری بود. آنان فره‌مند بودند و شایستگی لازم را برای پادشاهی داشتند. اشراف ساسانی و رهبران مذهبی، با حمایت از پادشاهی این دو خواهر و بی توجه به جنسیت، توانستند تقدس پادشاهی و جایگاه نهاد مزدایی را حفظ کنند. آ. ر. (ط.)

